

شناسایی و مدیریت آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی شهر تهران

شهین‌السادات شهشاهانی اصفهانی‌نژاد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

tasoomas@gmail.com

شروین حداد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند یک جامعه را به طور کلی نابود سازند، از طرف دیگر در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از این گونه آسیب‌ها وجود دارند. پس وظیفه هر شهروندی این است که در کاهش و یا نابودی این گونه آسیب‌ها همت گمارد. علاوه بر شهروندان، سازمان‌ها نیز وظیفه جدی در مدیریت این آسیب‌ها دارند. هدف ما در این تحقیق در ابتدا شناسایی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و سپس بررسی نحوه مدیریت آنها می‌باشد. به این منظور با توجه به ادبیات پژوهش، آسیب‌های اجتماعی به سه زیر شاخه فردی، خانوادگی و محیطی و همچنین آسیب‌های فرهنگی به سه زیرشاخه گسیختگی فرهنگی، بی‌اعتمادی و ازخودبیگانگی تقسیم شدند و پرسشنامه مناسب با این متغیرها نیز طراحی گردید. **روش پژوهش:** جامعه آماری پژوهش منطقه ۱۰ شهرداری تهران با جمعیتی بالغ بر ۳۰۲۸۵۲ نفر می‌باشد که با روش کوکران حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر محاسبه گردید و هم‌چنین روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای انتخاب شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان دادند که آسیب‌های فردی بدون نقش ولی آسیب‌های خانوادگی و محیطی دارای نقش ویژه‌ای در آسیب‌های اجتماعی هستند. **نتیجه‌گیری:** گسیختگی فرهنگی، بی‌اعتمادی و ازخودبیگانگی هر سه دارای نقش پررنگی در آسیب‌های فرهنگی هستند. در آخر به منظور مدیریت آسیب‌ها پیشنهاداتی ارائه شد.

واژگان کلیدی: پاتولوژی، مدیریت آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، تهران.

مقدمه

انسان‌ها نسبت به آموزش و عملی ساختن هنجارها جریان دارد. انتظاراتی که در جامعه از صاحبان نقش‌های گوناگون وجود دارد، با جامعه‌پذیری افراد برآورده می‌گردد.

چنان‌چه فرایند مذکور در دسترسی به اهداف و تحقق وظایف موفق نباشد، روابط اجتماعی با تخطی از هنجارها و در نتیجه بروز انواع ناهنجاری‌ها مواجه خواهد شد. اغلب افراد جامعه نسبت به فراگیری و به

روابط اجتماعی انسان‌ها بر اصولی مبتنی است که در پرتوی آن اهداف اجتماعی تحقق می‌یابد؛ این امر در گروهی وجود هم‌نوایی و حاکمیت نظم در تعامل‌های افراد جامعه است. شالوده‌ی هم‌نوایی و نظم، در پیروی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی پایه‌ریزی می‌گردد. به‌همین منظور، فرایند جامعه‌پذیری با نقش‌آفرینی عوامل متعددی در طول دوران زندگی

عبارت‌اند از: طلاق، فرار از منزل، اختلال هویت جنسی، فضای مجازی، مواد مخدر و روان‌گردان، عرفان‌های نوظهور، وندالیسم، سکونت در اماکن غیررسمی و غیره (ذوقی و کریمی، ۱۳۸۸).

در این میان فرهنگ معیار به عناصر ریشه‌ای فرهنگ ناظر است و شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌هاست. شاخص‌های مطلوبی که عناصر ریشه‌ای فرهنگ یک جامعه برای نیل به کمال فرهنگی و سعادت ابدی باید بدان سو حرکت کند و به آن نزدیک شود، فرهنگ معیار است (ذوقی و کریمی، ۱۳۸۸). پس‌افتادگی فرهنگی بنا بر نظریه آگبرن، هنگامی در جامعه بروز می‌کند که یکی از جنبه‌های فرهنگ به میزان بیشتر یا قبل از جنبه دیگر تغییر نموده و میان عناصر سازگار آنها به تدریج ناسازگاری یا ناهماهنگی به وجود آید. ناهماهنگی بین پیشرفت اتومبیل‌ها و کندی تغییرات جاده‌ها، ناهماهنگی بین کارکردن زنان در کارخانه‌ها با آداب و رسوم خانوادگی و اجتماعی، اختراع ماشین‌های تکنیکی جدید و ثابت‌ماندن قوانین کار و تصادفات از مثال‌های مشهود آگبرن در این زمینه می‌باشند (وبلاگ فرهنگ و اندیشه).

در دنیای امروز هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در برابر کج‌روی‌ها، کنش‌های نابهنجار، آسیب‌های اجتماعی و جرایم مختلف، از خود واکنش نشان ندهد. زیرا آسیب‌شناسان اجتماعی و نهادها و سازمان‌های متولی نظم و امنیت از این واقعیت آگاهند که کنش‌های کج‌روانه و رفتارهای مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه نه تنها امنیت اجتماعی را دستخوش اختلال می‌کند، بلکه اعتماد عمومی را در جامعه متزلزل می‌سازد. آسیب‌های اجتماعی هم‌چنین شأن و منزلت نهادها و نیروهای متولی نظم و امنیت جامعه را کاهش می‌دهند. افزون بر آن شواهد پژوهشی زیادی نشان می‌دهد که گسترش دامنه کج‌روی‌ها و انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، پتانسیل دست‌یازیدن به کنش‌های

کار بستن چارچوب‌های مذکور، هم‌نوایی نشان داده، در زندگی جمعی خود را ملتزم به رعایت نظم اجتماعی می‌دانند. با این وصف، همواره در جامعه افراد و گروه‌هایی مطابق انتظاراتی که از آنان هست، عمل نمی‌کنند و تخلف از هنجارها و ارتکاب رفتارهای مجرمانه در سطح جامعه مشاهده می‌گردد. از طرفی دیگر، به لحاظ این‌که سرنوشت افراد جامعه به یکدیگر وابستگی داشته، صلاح و فساد اجتماع در رفتار اعضای آن تأثیرگذار است، یکی از ضرورت‌های زندگی جمعی، شناسایی عوامل فساد و انحراف و کنترل و مقابله با آنها در جلوگیری از سوق دادن جامعه به سمت کژی‌ها و کارکردهای سوء است. برای شناسایی این عوامل از دیرباز تلاش‌های فراوانی انجام شده است (پوریوسفی و شریعت‌نژاد، ۱۳۸۸).

از دیرباز فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها در ساماندهی حرکت‌های اجتماعی نقش داشته‌اند و رفتارهای افراد هر جامعه‌ای متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه بوده است. فرهنگ‌ها در نحوه‌ی برقراری ارتباط و تعامل افراد یک جامعه نیز تأثیر داشته و جهت‌دهنده بوده است. باورها و اندیشه‌های نادرست، که برخاسته از فرهنگ جوامع بوده، در شکل‌دهی تعاملات اجتماعی مؤثر بوده و در برخی مواقع موجب ایجاد یک آسیب اجتماعی شده است (کوترل و همکاران، ۲۰۰۶).

آسیب‌های اجتماعی و موضوعاتی که با این مقوله در ارتباط است، مباحث بسیاری را در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی شامل می‌شود. متخصصان و جامعه‌شناسان تعاریف گوناگونی از آسیب‌های اجتماعی ارائه نموده‌اند که می‌توان اجمالاً به این صورت به آن اشاره کرد؛ منظور از آسیب اجتماعی رفتارهایی است که مانع رشد یک جامعه می‌شود. تعاریفی که متخصصان این حوزه مطرح نموده‌اند، هر کدام در جای خود کاملاً صحیح بوده و صادق است. مواردی که ذیل آسیب‌های اجتماعی از آن یاد می‌شود

نمونه نگاهی به آمار نزاع‌های فردی و اجتماعی، سرقت و جرم علیه اموال و مالکیت که از سوی معاونت اجتماعی ناجا منتشر شده است می‌افکنیم. به طور کلی آمار جرایم در کل شهر تهران بسیار بالا می‌باشد و هم‌چنین از طرف دیگر برای منطقه ۱۰ تهران، آمار نزاع‌های فردی و گروهی ۶۵۱، آمار سرقت ۴۱۱، آمار علیه اموال و مالکیت ۱۳۵ و آمار مفاسد اجتماعی ۵۲۰ در بازه زمانی یک سال می‌باشد که به نو خود آمار بالایی را نشان می‌دهد.

یکی از ضرورت‌های این تحقیق بیان‌گر این است که در تلاش برای شناخت آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی که در سطح منطقه می‌باشد را بررسی کند و با توجه به راهکارهایی که توسط افراد اثرگذار داده می‌شود تلاش می‌شود آسیب‌هایی که در این منطقه وجود دارد کنترل، کاهش و یا از بین برود. پس در واقع سوال اصلی پژوهش‌گر این می‌باشد که آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی شهر تهران کدام موارد هستند؟ و چگونه می‌توان آنها را مدیریت نمود؟

آسیب‌های اجتماعی، مقولاتی هستند که همواره به همراه انسان و جوامع انسانی بوده و هستند. جهان امروز ما به دلیل شرایط خاصی که رشد سریع تکنولوژی موجب آن می‌باشد، با مسائل و مشکلات فراوانی درگیر می‌باشد. قتل، آدم‌ربایی، اعتیاد، خودکشی، طلاق و... نمونه‌هایی از این دست مشکلات هستند که آسیب‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این‌که چه آسیب‌هایی، در چه جوامعی بیشتر روی می‌دهد و یا این‌که چه شرایط و ویژگی‌هایی می‌تواند موجب بروز کدام نوع از آسیب‌ها گردند و یا اصولاً در کدام حوزه‌ها آسیب‌ها خطرناک هستند، همواره به عنوان دست مایه‌ای برای اندیشیدن می‌باشد (پوریوسفی و شریعت‌نژاد، ۱۳۸۸).

از این‌رو پرداختن به مطالعه آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد. زیرا می‌توان به این

جمعی اعتراض‌آمیز، و بروز رفتارهای بحران‌زا را افزونی می‌بخشد (ذوقی و کریمی، ۱۳۸۸).

اغلب آسیب‌شناسان نشان داده‌اند که شیوع و گسترش کنش‌های نابهنجار در جامعه موجب از بین رفتن تمایل به هم‌نوایی عمومی و ایجاد سردرگمی درباره ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین جامعه، سلب اعتماد عمومی و از هم‌گسیختگی نظم و انسجام اجتماعی می‌شود (آبلا و اسکچیچ، ۲۰۰۷).

طی قرن بیستم به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی - ارزشی و نظام هنجاری در بسیاری از نقاط جهان به ویژه در جوامع صنعتی و کلان‌شهرها میزان آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی روندی افزایشی به خود گرفته است (کوترل و همکاران، ۲۰۰۶). نابسامانی خانواده، بزهکاری، سرقت، جرایم مالی، بیکاری، فساد اداری، فقر، حاشیه‌نشینی، تکدی‌گری، خودکشی، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر، جرم و جنایت، بحران هویت و سایر آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرهای جهان و فراخور آن در شهر تهران با آن روبه‌رو هستیم، که شناسایی مهم‌ترین آنها و ارائه راهکار برای حل این آسیب‌ها می‌تواند راه‌گشای این مسائل باشد.

با توجه به توضیحات فوق می‌توان دریافت آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی تا چه میزان بر سلامت و بهداشت روانی جامعه در تمامی ابعاد تاثیرگذار خواهند بود. از این‌رو در این تحقیق به دنبال بررسی آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی در یکی از مناطق کلان شهر تهران هستیم. پس از شناسایی و بررسی مهم‌ترین آسیب‌های بالقوه و بالفعل اجتماعی - فرهنگی در حوزه مورد بررسی، آنچه اهمیت می‌یابد راهکارهایی برای کاهش اثرات منفی و مخرب این آسیب‌ها در جامعه است.

همان‌طور که ذکر شد موارد زیادی را می‌توان به عنوان آسیب‌های اجتماعی در نظر گرفت. اما به عنوان

طریق از تاثیرات منفی رشد این آسیب‌ها جلوگیری کرده و روند افزایش ناهنجاری‌های مختلف را کنترل نمود. به همین منظور در این تحقیق به مطالعه آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی مختلف در شهر تهران پرداخته و پس از بررسی‌های صورت گرفته به ارائه راهکارهایی برای کنترل این آسیب‌ها می‌پردازیم. در این تحقیق سعی خواهد شد راهبردهایی مدیریتی برای اعمال قدرت بر ناهنجاری‌ها و در نتیجه آن آسیب‌های متفاوت اجتماعی - فرهنگی ارائه شود.

فرضیات پژوهش به صورت ذیل تنظیم می‌گردند:

- متغیرهای فردی در آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- متغیرهای خانوادگی در آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- متغیرهای محیطی در آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- گسیختگی فرهنگی در آسیب‌های فرهنگی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- بی‌اعتمادی در آسیب‌های فرهنگی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- از خودبیگانگی در آسیب‌های فرهنگی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.

پیشینه پژوهش

در ابتدا پژوهش‌های داخلی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. فردوسی و آقاپور (۱۳۹۱) آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌ها را با تاکید بر دانشجویان دختر مورد مطالعه قرار دادند. این تحقیق با روش اسنادی و فراتحلیل مطالعات انجام یافته است. در این تحقیق با لیست‌برداری، غربال‌گری و اعتبارسنجی مطالعات موجود، ۱۶ مطالعه و سند علمی مجزا شده و مشخصات و نتایج آنها فراتحلیل شد. یافته‌ها حاکی از آن است که مطالعه و شناخت

آسیب‌های اجتماعی دختران دانشجوی، بازنگری در راهبردها و نظارت بر اجرای آنها، تربیت نیروی انسانی آموزش دیده، تشکیلات فرهنگی مناسب، استفاده از اطلاعات کمیته‌های علمی و آموزشی و مراکز مشاوره دانشجویی، بکارگیری شیوه‌های فرهنگی کارآمد، استفاده از نیروهای مددکار همگی زمینه تحقق راهبردهای فرهنگی را افزایش داده و کاهش آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان را امکان پذیر می‌سازد. آسیب‌های اجتماعی دختران دانشجوی با آسیب‌های روانی آنان ارتباط داشته و سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی مناسب برای آنها باید تنظیم و اجرا گردد.

مظاهری و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی مقدماتی عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آسیب‌های روانی در ایران پرداختند. این پژوهش با هدف شناخت علل اختلال‌های روان‌شناختی و چالش‌هایی که از این حیث در برابر جامعه ایران قرار دارد، مطالعه و کاوشی است در زمینه علل اجتماعی مهم‌ترین آسیب‌های روانی و در این راستا یکی از مسأله‌های کلان روان‌شناختی - جامعه‌شناختی را مورد توجه قرار داده است. در این راستا از نتایج تعدادی از پژوهش‌های موجود در ایران بهره گرفته شده است. بر این اساس، هدف اصلی این مقاله، مطالعه و مرور آن دسته از مسأله‌های اجتماعی است که در پیدایش و بروز برخی آسیب‌های روانی در ایران موثر شناخته شده است. با این دیدگاه، اثرات عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی پدیدآورنده پدیده‌های روان‌شناختی مورد نظر قرار گرفته است.

احمدی‌نوده (۱۳۸۹) آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در نوجوانان و جوانان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. این پژوهش توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۸۸ روی فرزندان نوجوان و جوان کارکنان یکی از مراکز دولتی انجام شد. جامعه هدف ۱۲۰۰ نفری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای از

اسلامی در جانبازان رابطه معنادار و معکوس دارد و نوع جانبازی آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌دار دارد. در پژوهشی فاضل و آشتیانی (۱۳۸۷)، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی چشم انداز آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران را بررسی نمودند. در این مقاله علاوه بر توضیح مبانی نظری انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، به خوبی تعیین کننده نقاط SWOT (نقاط قوت، ضعف، ضعف در تجزیه و تحلیل فرصت‌ها، تهدیدات) آسیب‌های و تهدیدات اجتماعی ایران باشد.

در مطالعه‌ای محسنی (۱۳۸۸)، با عنوان "اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل شهری در ایران: مطالعه موردی شهر گرگان" به برشمردن مشکلات و آسیب‌های جدی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی و کالبدی می‌پردازد. فقر، بیکاری، مشاغل کاذب، مهاجرت، تکدی‌گری و مسکن، مهم‌ترین آسیب‌های اقتصادی شهر، اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق، کودکان خیابانی، سرقت، مزاحمت خیابانی، وندالیسم، قتل، نقض حقوق شهروندی، خشونت و امنیت عمومی، مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی شهر؛ مدگرایی، بدحجابی، قومیت‌گرایی و تعارض‌های فرهنگی و ناهنجاری‌های آموزشی مهم‌ترین مسائل فرهنگی و ترافیک، آلودگی، و مناسب بودن آسفالت و معابر مهم‌ترین مسائل و مشکلات کالبدی شهر به شمار می‌آیند.

در پژوهشی قلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۶)، با عنوان "آسیب‌شناسی فرهنگی زنان (با تأکید بر تولیدات فرهنگی شبکه‌های مختلف تلویزیون ایران) از دیدگاه دانشجویان زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵" که یک پژوهش پیمایشی می‌باشد، آسیب‌های فرهنگی زنان را در پنج محور معیارهای همسرگزینی، روابط اعضای خانواده و به ویژه همسران، بروز خشونت علیه زنان، گرایش زنان به

استان‌های تهران، قم، اصفهان، همدان، مازندران، اردبیل، کرمانشاه، اهواز و خراسان رضوی انتخاب شدند و در نهایت تعداد ۱۰۳۰ نفر به مطالعه وارد شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته و شامل ۲۰ مقیاس فرعی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری همبستگی، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس به کمک نرم‌افزار SPSS 14 استفاده شد. از نظر آسیب‌پذیری کلی ۷۰،۴٪ افراد مصون، ۱۷،۴٪ افراد عادی و ۱۲،۲٪ افراد دچار آسیب شناخته شدند. بیشترین آسیب‌پذیری به ترتیب در ابعاد نگرش زن‌سالاری و تساوی‌نگری زن و مرد، ضعف در برنامه اوقات فراغت و اوقات فراغت آسیب‌زا، گرایش به لذت‌طلبی و مادی‌گرایی دیده شد. براساس نتیجه‌گیری این تحقیق بسیج امکانات در جهت رسیدگی به آسیب‌های نوجوانان و جوانان، راه‌اندازی مراکز مشاوره برای خانواده‌ها و فرزندان، تلاش برای غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان، ایجاد فرصت‌های اشتغال برای نوجوانان و جوانان، آموزش خانواده‌ها برای نظارت بیشتر و بهتر و کمک به بهبود روابط بین اعضای خانواده‌ها برای پیشگیری از افزایش آسیب ضروری به نظر می‌رسد.

پوریوسفی و شریعت‌نژاد (۱۳۸۸) به بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان متاهل ساری پرداختند. روش پژوهش از نوع پیمایشی و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۳۶ نفر از جانبازان متأهل شهرستان ساری از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های این پژوهش و داده‌های مربوطه موید این است که آسیب‌های اجتماعی خانواده در جانبازان با عواملی چون میزان مشارکت اجتماعی پایگاه اجتماعی و اقتصادی جانبازان و پایبندی به ارزشیهای انقلاب

عاملی موثر در بررسی آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی مربوط به زنان در جامعه یاد کرد.

واریاچ و فاروق (۲۰۱۵) در تحقیق خود به بررسی عوامل و آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی در جرم‌شناسی زنان پرداختند. این تحقیق نیز مشابه تحقیق وارما (۲۰۱۴) بوده با این تفاوت که سطح گسترده‌تری از آسیب‌ها در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. تحقیق ایشان، کشور پاکستان را برای جامعه مورد مطالعه معرفی کرده است. محققان در این پژوهش با طراحی یک ابزار نیمه ساختاریافته، از مصاحبه با ۲۹۱ زن مجرم از میان ۸۷۵ زندانی که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند اطلاعات لازم را جمع‌آوری نمودند. براساس تحلیل‌های آماری انجام شده در این تحقیق، نزاع‌های اجتماعی و انتقام‌جویی شخصی، محرومیت‌های اجتماعی و فرهنگ‌های خانوادگی سه عامل اصلی و مهم در آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی زنان شناخته شده است. همچنین نتایج حاصل از این تحقیق نشان از این دارد که این عوامل به طور قابل توجهی میزان احتمال وقوع جرم را در شرایط مشابه نیز مشخص می‌کند.

کریم و هاشم (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی تغییرات و آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی ایجاد شده در جامعه پرداختند. همچنین تأثیر طرح‌های اسکان مجدد را بر آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه مطالعه نمودند. ایشان جامعه بومیان مالزی را مورد مطالعه قرار دادند. براساس نتایج به دست آمده از این تحقیق، بومیان مورد مطالعه از سویی از مزایای طرح‌های اسکان مجدد استفاده نموده و از اجرای این طرح راضی هستند و از سویی دیگر آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی به وجود آمده و تهدید سنت‌ها آنها را ناراضی نموده است.

تجملات، مد و آرایش و توسعه مشارکت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان تقسیم نموده است.

در ادامه پژوهش‌های خارجی قابل مشاهده می‌باشد. استاتام و تیلی (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی جوامع مسلمان‌نشین اروپا پرداخته و از یک ساختار تطبیقی برای یکپارچه‌سازی اجتماعی - فرهنگی جوامع استفاده نمودند. به عقیده ایشان جوامع مسلمان‌نشین توجه ویژه‌ای به ابعاد دینی و اجتماعی جامعه دارند. در این تحقیق چند سوال برای نشان‌دادن چارچوب کلی تحقیق مطرح شده است. سوال اول این‌که آیا دین یا فرهنگ در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه نقشی ایفا می‌کنند؟ سوال دیگر این‌که آیا مسلمانان ساکن اروپا می‌توانند تفاوت‌های اجتماعی و دینی را برتابند و در محیطی یکپارچه با سایر مردم زندگی کنند یا این موضوع باعث ایجاد یک اختلاف اجتماعی - فرهنگی بین آنها و جامعه می‌شود؟ این تحقیق با استفاده از یک رویکرد نظری و روش تحقیق تجربی به دنبال یافتن این پرسش‌ها می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از چهار گروه مختلف از مسلمانان در کشورهای مختلف تحقیقات به عمل آمده است.

وارما (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی جرم‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی مربوط به قوانین و قانونی‌گذاری خانواده پرداخته است. این پژوهش در جامعه هند مورد مطالعه قرار گرفته است و نقدی بر دیدگاه فمینیسم نیز دارد. ایشان در این تحقیق نگاهی به بحث زندانی شدن زنان نیز داشته‌اند. در این تحقیق براساس اطلاعاتی که از چهار منطقه از یک شهر در هندوستان جمع‌آوری گردید بررسی‌های مربوطه به میزان جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی انجام شده است. ایشان معتقدند هم‌چنان فضای پدرسالاری و ضد زن در خانواده و جامعه مورد بررسی وجود داشته و می‌توان از این عامل به عنوان

مبانی نظری

به تحقیق و تجربه افکار عمومی، شهر تهران در روند توسعه شهری و اقتصادی اکثر منابع و امکانات مادی و انسانی و فرهنگی و صنعتی کشور ایران را به خود اختصاص داده و مانند موجود عظیم‌الجثه شاخدراری است که با ولعی سیری‌ناپذیر همه دسترنج ایرانیان از چهار گوشه کشور به ویژه استان‌های محروم و مرزی را فرو می‌بلعد، به طوری که با ضریب اطمینان بالایی می‌توان گفت که به شهر مسلط و سلطه‌گر در ایران تبدیل شده است. این پدیده غول‌آسا که به همه چیز شبیه است جز شهر، ناهنجاری‌های فرهنگی و فرهنگ سلطه را در لایه‌های سطحی و عمقی خود در همه زمینه‌های شهری با مدرنیته‌ای زشت و بدقواره و غیرقابل تعریف به صورت برجسته و بارزی نمایان می‌سازد (وبلاگ فرهنگ و اندیشه).

در واقع با شکل‌گیری و رشد جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم میلادی بهره‌گیری از علوم مختلف برای بیان فرایندهای اجتماعی نیز معمول گردید و در نتیجه بسیاری از اصطلاحات و واژه‌های رایج در علوم دیگر چون زیست‌شناسی، علوم پزشکی، زمین‌شناسی و مانند آن در جامعه‌شناسی نیز به کار گرفته شد که از جمله آن می‌توان به آسیب‌شناسی اشاره کرد. آسیب‌شناسی عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ارگانیزم انسانی. بنابراین در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه، اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی بکار می‌رود (ستوده، ۱۳۷۶).

براساس دیدگاه کارکردگرایی، جامعه سیستمی از بخش‌های مرتبط است که هماهنگ با یکدیگر در جهت حفظ و تعادل و توازن اجتماعی کار می‌کنند. از منظر این دیدگاه هریک از نهادهای اجتماعی نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند و بر نهادهای دیگر تأثیر می‌گذارند (فاضل، آشتیانی، ۱۳۷۸).

براساس دیدگاه کشمکش برخلاف دیدگاه کارکردگرایی که جامعه را متشکل از بخش‌های مختلف می‌بیند، جامعه را به صورت گروه‌ها و منافع مختلفی می‌بیند که برای دستیابی به قدرت و منابع با هم رقابت می‌کنند. دیدگاه کنش متقابل نمادین برخلاف دو دیدگاه قبل منعکس‌کننده دیدگاه جامعه‌شناسی فرد است و بر این نکته تأکید دارد که رفتار انسانی تحت تأثیر تعاریف و معانی قرار دارد که در کنش متقابل نمادین با دیگران خلق می‌شود و تداوم می‌یابد. تصویری که ما از خود داریم با مشاهده این که دیگران چگونه با ما وارد تعامل می‌شوند و برداشتی از ما دارند ساخته می‌شود.

یکی از نظریه‌های عمده دیدگاه کنش متقابل نمادین درباره مسائل و آسیب‌های اجتماعی نظریه برچسب‌زنی است. این نظریه می‌گوید یک موقعیت یا گروه اجتماعی زمانی مشکل‌ساز به نظر می‌آید که با این عنوان برچسب خورده باشد براساس این نظریه گاهی حل مسائل اجتماعی شامل تغییر معانی و تعاریفی می‌شود که به افراد یا موقعیت‌ها نسبت داده می‌شوند. براساس این دیدگاه‌های مطرح شده در جامعه‌شناسی انحرافات، چارچوب نظری تحقیق به منظور تعریف و شناخت آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران عمدتاً مبتنی بر دیدگاه کارکردگرایی ساختی بوده است.

در دسته نظریه‌های اقتصادی در آسیب‌شناسی اجتماعی از دیدگاه‌ها وضعیت اقتصادی جامعه به عنوان عامل مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیقات انجام گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی افراد و وقوع جرم و سایر آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد، به طوری که با پایین‌تر رفتن سطح درآمد بر میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی افزون می‌شود. براساس این دیدگاه سامان‌دهی وضعیت اقتصادی اجتماعی در رأس

برنامه‌های آسیب‌زدایی قرار می‌گیرد و برنامه‌هایی پیشنهاد می‌شود که با افزایش فرصت‌های شغلی، افزایش سطح درآمد و مبارزه با بیکاری از وقوع آسیب جلوگیری کند.

در نظریه‌های روان‌شناختی در آسیب‌شناسی اجتماعی مسائل روان‌شناختی به عنوان عاملی مؤثر در وقوع آسیب‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. نبود شیوه‌های تربیتی مناسب، انواع مشکلات روانی و روحی در بین افراد، عدم کارایی آنها در استفاده از شیوه‌هایی برای مبارزه با مشکلات زندگی، علل اساسی و وقوع آسیب شناخته می‌شود. این دیدگاه لزوم ارائه آگاهی و اطلاعات به افراد را در حیطه پیشگیری اولیه و انجام مشاوره‌ها و خدمات روان‌شناختی به افرادی که در معرض ابتلا به آسیب‌های اجتماعی هستند و افرادی که درگیر در این آسیب‌ها هستند را در حیطه پیشگیری اولیه و ثانویه پیشنهاد می‌کند.

حال تا این‌جا که آسیب‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت نگاهی به آسیب‌شناسی فرهنگی به طور اجمالی می‌اندازیم. جهانی که امروز در آن زندگی می‌کنیم، به دلیل رشد فناوری و گسترش روز افزون ارتباطات، خواه ناخواه هر روز کوچک و کوچک‌تر می‌شود و امتزاج و اختلاط فرهنگ‌ها افزون‌تر می‌گردد. اما "جهان هم‌چنان که در اثر توسعه ارتباطات کوچک‌تر می‌شود، از جهت قضایای ذهنی گسترش می‌یابد و برای حل مسائل خود نیازمند تخیلی نیرومندتر است" (شیرازی، ۱۳۷۶).

بنابراین، امروز اکثر صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سیاسی و حتی اندیشمندان جهان تجارت و اقتصاد به این باور رسیده‌اند که تنها در پرتوی صلح جهانی و تبادل و تفاهم فرهنگی می‌توان انسان معاصر را در دهکده جهانی کنار یکدیگر نگه داشت و انسانیت را حفظ کرد. بر این اساس، نظریه‌های گفت‌وگویی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، سرلوحه

انسان قرن بیست و یکم قرار گرفته است. موضوعی که هر انسان آگاه و اندیشمندی را در هر سطحی که باشد به دورنمای ارتباطات جهانی خوش‌بین می‌کند و نوعی آرامش روانی برایش به همراه می‌آورد. اما نکته مهم و اساسی در فرایند این گفت‌وگوها و تبادلات فرهنگی که بدان کمتر توجه شده و می‌شود، ابعاد آسیب‌شناختی، مخصوصاً آسیب‌شناسی روانی برخورد و تغییرات فرهنگی است که اگر بدان توجهی اساسی نشود و به موازات طرح‌های نزدیکی فرهنگ‌ها بدان پرداخته نگردد، در دهه‌های بعدی شاهد بسیاری معضلات و آسیب‌های جدید برای این انسان امیدوار به آینده خواهیم بود. آسیبی که طی چندین دهه گذشته در بسیاری از کشورها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها آثار نگران‌کننده خود را به جای گذاشته است (آثاری که ناشی از تغییرات فرهنگی است). فرهنگ عبارت است از «مجموعه‌ای از اعمال و رفتار اکتسابی و شیوه تفکر فراگرفته شده‌ای که بین افراد یک جامعه مشترک بوده و اختصاص به آن دارد» یکی از رسالت‌های هر فرهنگ، حفظ حقوق و امنیت فرد در اجتماع است. موازین دینی و اخلاقی و نیز آداب و رسوم اجتماعی هر جامعه‌ای نظامی را پایه‌ریزی می‌کند که افراد متعلق به آن جامعه در نظام فرهنگی مربوط، از کودکی نسبت به حدود و ثغور اختیارات و انتظارات خویش در محیط خانواده و در گروه، معرفت حاصل کرده، خودبه‌خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که محل و موقع آنان در جامعه مراعات شده، محفوظ می‌ماند (داویدیان، ۱۳۷۶).

تغییر فرهنگی فرایندی است که طی آن اجزای مختلف یک فرهنگ با گذشت زمان، دگرگون می‌شوند. هرگونه تغییری در اجزا و کلیت فرهنگ، در سازمان‌های اجتماعی تحولاتی را پدید می‌آورد و اگر شتاب این دگرگونی‌ها زیاد باشد، می‌تواند آسیب‌هایی را در پی داشته باشد (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۵۰). بنابر

(کاپلان و همکاران، ۱۹۹۴). براساس گزارش همان منبع، میزان مراجعین به بیمارستان‌ها به علت اختلالات روان‌پزشکی در آمریکا بین مهاجرین، نسبت به خود آمریکایی‌ها عیار بالاتری دارد و به نظر می‌رسد که علائم پارانوئید نیز در بین گروه‌های مهاجر شایع‌تر است. تغییر نامطلوب از هر نوع که باشد، خواه ناخواه دشواری تطابق یا سازگاری اجتماعی را به همراه دارد. یعنی فرد به زحمت می‌تواند خود را با تغییرات تازه همراه کند و این ناسازگاری، علت بسیاری از ناراحتی‌های عصبی - اجتماعی معاصر است (ستوده، ۱۳۷۶).

با نزدیک شدن فرهنگ‌ها به یکدیگر، تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر نیز افزایش می‌یابد و به همان نسبت موضوعات سازگاری و انطباق نیز بیشتر می‌گردد. زیرا: "کشفیات و اختراعات و دانش علمی با تصاعدی هندسی پیش می‌رود و توده مردم عموماً منفعل و اسیر رفتار کلیشه‌ای خود نمی‌توانند با مشکلات و معضلات مقابله کنند. اگر بشر نتواند هم‌چنان که دانش او محیط را تغییر می‌دهد، انطباقی نوین و مبتکرانه با محیط پیدا کند، فرهنگ، آسیب جدی خواهد دید و بهایی که بشر به خاطر فقدان خلاقیت خواهد پرداخت، نه تنها نتیجه آن ناسازگاری‌های فردی و آسیب‌های روانی گروهی است، بلکه فرهنگ خود را نیز از دست خواهد داد" (شیرازی، ۱۳۷۶).

انسان در فرایند تغییر فرهنگی و اصولاً هر نوع تغییری مجبور است به انطباق‌ها و سازگاری‌های جدیدی تن در دهد که با توجه به تفاوت‌های فردی افراد و میزان تحمل متفاوت اشخاص در برابر فشارهای ناشی از تغییر، اختلالات انطباقی و سازگاری، از عوارض شناخته شده ناتوانی در انطباق است. گفته شد که یکی از پیامدهای مسئله فرهنگ‌پذیری اضطراب است. اختلالی که یکی از شایع‌ترین اختلالات بشر در قرن بیستم بوده، هنوز هم ادامه دارد. "بنابر عقیده

عقیده کاپلان و همکاران (۱۹۹۴)، وقتی تغییرات فرهنگی حاد باشد و بر ساز و کارهای انطباقی و حمایت‌های اجتماعی افراد آن جامعه تسلط پیدا کند، می‌تواند فشار زیادی وارد نموده، شوک فرهنگی، ایجاد کند. شوک فرهنگی با اضطراب، افسردگی، احساس جدا شدن، مسخ شخصیت و مسخ واقعیت همراه است و با این عوارض و علائم مشخص می‌شود. براساس همین منبع، شوک فرهنگی عبارت است از انتقال فرهنگی عمیق و زمانی روی می‌دهد که شخص ناگهان وارد فرهنگی متفاوت می‌شود، یا وفاداری‌های او بین دو فرهنگ تقسیم می‌گردد (کاپلان و همکاران، ۱۹۹۴).

مسخ شخصیت عبارت است از "احساس با ثبات و تکرارشونده گسستگی. انگار که شخص یک مشاهده‌گر بیرونی فرایندهای روانی یا بدنی خویش است (مثلاً احساس این که شخص در حال رویاست). مسخ شخصیت، ناراحتی قابل توجه بالینی به وجود آورده، موجب تخریب در عملکرد اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌های مهم می‌گردد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). در مسخ واقعیت، فرد احساس می‌کند که مردم، وقایع و محیط تغییر کرده، غیرواقعی به نظر می‌آیند (گلدنسون، ۱۹۸۴).

موضوع تأثیر و تأثرات فرهنگی به حدی اهمیت پیدا کرده که اینک در طبقه‌بندی اختلالات روانی، مسأله فرهنگ‌پذیری، به عنوان یکی از حالت‌هایی که باید کانون توجه بالینی قرار گیرد، آورده می‌شود. براساس طبقه‌بندی روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا (D.S.M.4) مسأله فرهنگ‌پذیری را زمانی به کار می‌برند که کانون توجه بالینی یک مسأله مربوط به سازش با فرهنگی متفاوت است. دوره‌های انتقال فرهنگی، با رسوم متفاوت و بی‌ثباتی تعیین نقش، می‌تواند آسیب‌پذیری شخص را نسبت به فشار زندگی بیشتر کند و انتقال فرهنگی عمیق می‌تواند ناراحتی شدید به وجود آورد که همان شوک فرهنگی است

فروید، اضطراب، بهایی است که بشر کنونی برای تمدن می‌پردازد" (آزاد، ۱۳۷۴).

به دلیل این که تغییر فرهنگی، سازگاری‌های جدید را می‌طلبد، اضطراب منتشر یا تعمیم یافته در افراد نیز افزایش می‌یابد. "ویژگی عمده این اختلال (اضطراب تعمیم یافته) ترس از آینده است. این ترس بی‌اساس بوده، به موضوع معینی مربوط نمی‌شود" (آزاد، ۱۳۷۴). عدم انطباق فرد با دگرگونی‌های سریع و تغییرات فرهنگی ناپایدار عصر کنونی، آشفتگی‌های دیگری از نیز در پی خواهد داشت. بنابر عقیده ستوده (۱۳۷۶)، برخی از این آشفتگی‌ها و نابسامانی‌ها عبارت اند از:

۱- گسیختگی فرهنگی ۲- بی‌اعتمادی ۳- از خود بیگانگی.

گسیختگی فرهنگی یعنی اشکال در نحوه انتقال تجربه‌ها از گذشته به حال. از ویژگی‌های این گسیختگی آسیب دیدن فرایند انتقال سنت‌ها، دانش و تجربیات یک نسل به نسل دیگر و ایجاد بی‌هویتی در نسل‌های بعدی است ... در اثر این دگرگونی‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم رو به سستی می‌گذارد، بی آن که فرهنگ سنتی تثبیت یا فرهنگ جدید کاملاً جذب شده باشد. در نتیجه روند مذکور، بی‌ریشگی‌ها و جانیاftدگی‌ها، دامن زده شده، مردم کشورهای در حال توسعه در ارتباط با شیوه‌های زیستی بی‌اعتماد و از خود بیگانه می‌شوند (همان منبع).

بی‌اعتمادی پدیده‌ای روان‌شناختی است که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد (منبع قبل). در این مسیر، اختلال جدی دیگری تحت عنوان درماندگی آموخته شده مطرح است. درماندگی آموخته شده زمانی بروز می‌کند که فرد در شرایط خاص تحت فشار قرار گیرد و بر فشار و شرایط موجود کنترل نداشته باشد. معادل‌های درماندگی آموخته شده عبارتند از: بی‌میلی برای انجام هر عملی برای کسب تقویت یا گریز از تنبیه،

منفعل بودن به طور کلی، گوشه‌گیری، ترس، افسردگی و پذیرا بودن هر آن چه اتفاق می‌افتد. مارتین سلیگمن (۱۹۷۵)، نظر داده است که درماندگی آموخته شده در انسان‌ها می‌تواند به صورت افسردگی تجربه شود و این ویژگی افرادی است که در کوشش‌هایشان در زندگی چنان سرخورده شده‌اند که ناامید و گوشه‌گیرند و در نهایت سر به تسلیم می‌نهند (هرگنهان، ۱۳۷۱).

بنابر عقیده ستوده (۱۳۷۶)، این روند از دیدگاه کلان، به بی‌اعتمادی و درماندگی در سطوح ملی می‌رسد. پدیده بی‌اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از شخص می‌گیرد و او را به موجودی بی‌تحرك، خستنی و فاقد معیار تبدیل می‌کند. در عصر حاضر، بی‌اعتمادی به عنوان بیماری مزمنی در کشورهای در حال توسعه درآمده است. بنابراین، با توجه به تأثیر فرهنگ‌های غالب بر فرهنگ کشورهای در حال توسعه (در حال گذار)، زمانی تبادل فرهنگی بین ملل، یک طرح کامل و همه‌جانبه‌نگر است که به فرایند انتقال فرهنگی و فرهنگ‌پذیری به شکلی اصولی و منطقی بپردازد؛ تا اولاً: ایجاد شوک فرهنگی نکند. ثانیاً: آسیب‌شناسی تداخل فرهنگی در صدر امور قرار گرفته، برای آن چاره‌اندیشی شود. انجام این مهم امکان ندارد؛ مگر این که ویژگی‌های فرهنگی و حتی خرده‌فرهنگ‌ها در هر جامعه مدنظر قرار گیرد و از تفکر یکی‌کردن و یک‌دست کردن تمام فرهنگ‌ها و نیز از تحمیل فرهنگی اجتناب شود.

حتی تصور یکی‌شدن و یکسان شدن فرهنگ‌ها نیز وحشتناک است. اتفاقی که شاید کم‌ترین پیامد آن احساس تنهایی در جهان یکسان است. در جهانی که خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های اصیل اجتماعی رنگ باخته و همه چیز یکسان و یکنواخت گردیده باشد، دیگر تعهد و وفاداری معنای چندانی ندارد و در جهان بزرگ مینیاتوری شده به شکل دهکده جهانی اگر اصالت فرهنگ‌ها رعایت نگردد؛ بی‌هویتی و فردیت

در مسأله فرهنگ‌پذیری احساس بیگانگی و تنهایی و احساس نیاز برای بازگشت به اصل خویش و فرهنگ و جامعه و کشور و خانواده خود مطرح است، یکی دیگر از اختلالات روانی نیز موضوعیت پیدا می‌کند (یعنی اختلال نوستالژیا). نوستالژیا، در مفهوم لغوی به معنای حسرت گذشته است؛ اما در تعریف روان‌شناختی، عبارت است از: اشتیاق بازگشت به منزل یا زادگاه (غم غربت). نوستالژیا با ترس از تنها ماندن ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وقتی فرد با کسی که از نظر هیجانی با او هم‌بستگی دارد همراه باشد، احساس آسودگی می‌کند. نوستالژی یک خاطره است؛ ولی در سطح عمیق‌تر یادآوری و تجربه مجدد ادراک‌هایی است که در گذشته وجود داشته‌اند و شخص را به زمان، مکان یا نزد فرد خاصی باز می‌گرداند و سپس به همه چیز تعمیم می‌یابد. از دیدگاه روان‌پزشکی، نوستالژیا همان اختلال انطباقی یا خلق افسرده است. این اختلال موجب پاسخ‌های روانی نامساعد به نام‌ایمات خاص یا گوناگون است و افراد مبتلا به این اختلال در رویارویی با حوادث و اوضاع از تلاش و یکپارچه‌کردن سریع اطلاعات ذهنی و هیجانی خود ناتوان‌اند. چنین افرادی در پاسخ به محرک‌ها عکس‌العملی شدیداً نامتناسب از خود بروز می‌دهند (فدایی و نیساری، ۱۳۷۶). قابل ذکر است که چارچوب نظری پژوهش حاضر بر پایه مطالعات ستوده می‌باشد.

روش تحقیق

این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی با روش «توصیفی-تحلیلی» انجام شده است. در این پژوهش ابتدا براساس مطالعات کتابخانه‌ای متغیرها و شاخص‌ها (گویه‌های) آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی استخراج گشته و از پرسشنامه‌ای با ۴۸ گویه که سوالات آن براساس طیف لیکرت طراحی گشته‌اند، استفاده شده است. سپس با

باختگی به شکلی آشکار و گسترده رخ می‌نمایند و به آسانی در شلوغی جمعیت هنجارها نادیده گرفته می‌شوند. بر طبق نظریه فردیت باختگی، برخی شرایطی که غالباً بر گروه‌ها حکم فرماست می‌تواند به حالت روانی فردیت باختگی در افراد منجر گردد. پدیدشدن این حالت در افرادی که هویت فردی خود را از دست داده و به‌صورتی گمنام در گروه مستحیل شده‌اند، مشاهده می‌شود. این حالت سبب می‌شود رفتارهای ناگهانی و دیگر شرایط عاطفی و شناختی که ویژه یک جماعت لجام گسیخته است، با محضورات و موانع کمتری روبه‌رو شود (اتکینسون و هلیگارد، ۱۳۶۸).

از طرفی، در طریق ارتباط فرهنگی بین ملل، لازم است عدالت اجتماعی که یکی از ریشه‌ها و عوامل اصلی تسلیم فرهنگی است، نیز برقرار شود. منظور از عدالت اجتماعی در این سطح، توزیع عادلانه امکانات طبیعی و نعمت‌های خدادادی و تقسیم مناسب دستاوردهای علم و فناوری نوین است. زیرا وقتی جامعه‌ای با کساد اقتصادی روبه‌رو می‌شود، یکی از آثار مخرب آن، پدیدآیی بی‌اعتمادی است؛ به ویژه وقتی دامنه این بی‌اعتمادی به اندازه‌ای باشد که جامعه را با بحران روبه‌رو کند (ستوده، ۱۳۷۶).

یکی دیگر از آثار روانی زیان‌بار تغییرات فرهنگی و مسأله فرهنگ‌پذیری از خودبیگانگی یا الیناسیون است. از خودبیگانگی، یعنی بیگانه شدن افراد با خودشان و با دیگران. به بیانی دیگر، از خودبیگانگی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن مردم اختیار خود را درباره دنیای اجتماعی که خود به دست آورده‌اند از دست می‌دهند و در نتیجه آن، خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه، بیگانه می‌یابند (به نقل از منبع قبل). از منظر روان‌شناختی، این اصطلاح، معادل نوعی اختلال روانی و شبیه حالتی مرکب از مسخ شخصیت و مسخ واقعیت است که قبلاً به آن اشاره شد و از جمله عوارض مسأله فرهنگ‌پذیری بودند. از سوی دیگر، با عنایت به این که

محاسبه می‌گردد. نمونه آماری مورد نظر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی بصورت میدانی انتخاب و پرسشنامه‌ها در بین آنها توزیع گردید. قلمروی مکانی تحقیق، منطقه منطقه ۱۰ شهرداری تهران و هم‌چنین قلمروی زمانی تحقیق سال ۱۳۹۵ می‌باشد.

یافته‌ها

بکارگیری آزمون آماری t و با توجه به نرمال بودن داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده بوسیله پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. قابل ذکر است کلیه محاسبات در نرم‌افزار تحلیل آماری spss انجام گرفته است.

جامعه آماری در این تحقیق شهروندان منطقه ۱۰ شهرداری تهران با حجمی برابر با ۳۰۲۸۵۲ نفر که حجم نمونه پژوهش براساس فرمول کوکران برابر ۳۸۴

جدول ۱ - نتیجه آمار استنباطی

متغیر	تعداد	نمره معیار	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	فاصله اطمینان %۹۵	
							حد بالا	حد پایین
آسیب‌های اجتماعی فردی	۳۸۴	۳	۳,۲۷۷۸	۲,۳۳۱	۳۸۳	۰,۰۶۷	۰,۵۸۴۱	-۰,۰۲۸۵
آسیب‌های اجتماعی خانوادگی	۳۸۴	۳	۳,۵۳۷۰	۳,۲۳۸	۳۸۳	۰,۰۲۳	۰,۹۶۳۳	۰,۱۱۰۷
آسیب‌های اجتماعی محیطی	۳۸۴	۳	۳,۵۵۰۰	۳,۸۴۱	۳۸۳	۰,۰۱۲	۰,۹۱۸۱	۰,۱۸۱۹
آسیب‌های فرهنگی گسیختگی فرهنگی	۳۸۴	۳	۴,۲۰۸۳	۶,۱۰۰	۳۸۳	۰,۰۲	۱,۷۱۷۵	۰,۶۹۹۱
آسیب‌های فرهنگی بی‌اعتمادی	۳۸۴	۳	۳,۹۷۹۲	۷,۰۶۹	۳۸۳	۰,۰۰۱	۱,۳۳۵۲	۰,۶۲۳۱
آسیب‌های اجتماعی محیطی	۳۸۴	۳	۳,۴۸۴۸	۳,۶۷۱	۳۸۳	۰,۰۱۴	۰,۸۲۴۴	۰,۱۴۵۳

آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. به طور کلی می‌توان یافته‌های برآمده از فرضیات تحقیق را به صورت زیر لیست کرد:

- متغیرهای فردی در آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری ندارند.
- متغیرهای خانوادگی در آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- متغیرهای محیطی در آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- گسیختگی فرهنگی در آسیب‌های فرهنگی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.
- بی‌اعتمادی در آسیب‌های فرهنگی منطقه ۱۰ شهرداری تهران نقش معناداری دارند.

در این آزمون t نمرات پرسشنامه از ۱ تا ۵ (براساس طیف لیکرت) مقدار دهی شده‌اند و نمره‌ی معیار را برابر ۳ در نظر می‌گیریم. با توجه به این که نمره‌ی معیار را برابر با ۳ مشخص کردیم، نمره‌ی پایین‌تر از ۳، نقش کم‌رنگ آسیب‌های مورد بحث را نشان می‌دهد و از طرف دیگر نمره‌ی بالاتر از ۳ نشان دهنده‌ی نقش معنادار آسیب‌های مورد بحث می‌باشد. همان‌طور که در این آزمون مشاهده می‌شود مقدار p -value یا همان سطح معنی‌داری تمامی متغیرها به غیر از آسیب‌های اجتماعی فردی از مقدار ۰,۰۵ کمتر می‌باشند. اما برای آسیب‌های اجتماعی فردی سطح معناداری دارای مقداری بیشتر از ۰,۰۵ گشته است که نشان‌دهنده نقش کم‌رنگ آسیب‌های فردی در

- از خودیگانگی در آسیب‌های فرهنگی منطقه ۱۰
شهرداری تهران نقش معناداری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقایسه با سایر پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش جاری می‌توان اذعان داشت که اکثر پژوهش‌های انجام گرفته تاکنون، بیشتر تمرکز خود را بر روی یکی از جنبه‌ها یعنی یا آسیب‌های اجتماعی و یا آسیب‌های فرهنگی گذاشته‌اند. هم‌چنین نسبت توجه پژوهش‌گران به آسیب‌های فرهنگی بسیار کمتر از آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. و دلیل کم‌توجهی به آسیب‌های فرهنگی، پیچیدگی در تعریف متغیرها و شاخص‌های مربوط به مقوله فرهنگی می‌باشد. اما پژوهش‌گر تمام تلاش خود را معطوف این موضوع نمود که هم آسیب‌های اجتماعی و هم آسیب‌های فرهنگی در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار بگیرند. از طرف دیگر اکثر پژوهش‌های انجام شده تلاش خود را بر روی تمرکز بر یک یا چند مورد از آسیب‌ها نموده است. اما تلاشی که در این پژوهش صورت گرفته است، بیشتر مطوف به نگاهی کلان و از بالا به پایین به موضوع می‌باشد تا تمام موارد و آسیب‌ها مورد بررسی قرار بگیرند.

همان‌طور که در یافته‌های پژوهش مشاهده نمودیم از ۶ فرضیه مورد آزمون، ۵ مورد از آنان را پاسخ‌دهندگان نقش ویژه و برجسته‌ای برای آنان در نظر گرفتند. در مورد آسیب‌های اجتماعی فردی، در واقع به علت ازدیاد آسیب‌ها در جامعه و به نوعی عادی شدن این گونه آسیب‌ها، پاسخ‌دهندگان نقش بسیار زیادی را برای آسیب‌های اجتماعی فردی در نظر نگرفتند. اما در رابطه با آسیب‌های اجتماعی خانوادگی و محیطی قضیه فرق می‌کند. در واقع نگاه جامعه به این گونه آسیب‌ها دارای نقشی پررنگ است. در مورد سه گونه آسیب‌های فرهنگی هر سه مورد که شامل

گسیختگی فرهنگی، بی‌اعتمادی و از خودیگانگی می‌باشد، شرکت‌کنندگان در نظرسنجی نگاه ویژه‌ای به آسیب‌های فرهنگی داشته و نقش این آسیب‌ها را بسیار جدی می‌دانند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در مسیر انجام این پژوهش محدودیت‌هایی از جمله وجود متغیرهای پیچیده در تحقیق (آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی)، همکاری پایین شهروندان برای شرکت در نظرسنجی و عدم عضویت دانشگاه در بسیاری از پایگاه‌های اطلاعات علمی دنیا وجود داشت. هم‌چنین جدا از نتایج نظری بدست آمده می‌توان پیشنهادات کاربری و عملی اقتصادی زیر را در جهت کاهش و یا تلاش در جهت حذف آسیب‌ها به شرح ذیل ارائه نمود:

- بیکاری یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها می‌باشد که در جهت رفع آن نیاز به ایجاد یک طرح عملی احساس می‌شود.

- فقر یک از آسیب‌های منشعب از بیکاری می‌باشد و می‌توان با کاهش قابل توجه بیکاری و ایجاد درآمدهایی برای افراد محروم جامعه، فقر را تا حد قابل قبولی کاهش داد.

با توجه به این‌که در بررسی‌های به عمل آمده مربوط به آسیب‌های اجتماعی خانوادگی، طلاق و بیوگی مهم‌ترین آسیب‌ها مشخص شده‌اند، می‌توان پیشنهادات کاربری را در جهت رفع و یا کاهش این آسیب‌های اجتماعی به صورت زیر ارائه نمود:

- رفع و یا کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نیازمند زمان می‌باشد و با اقدامات سطحی و کوتاه‌مدت نمی‌توان انتظار تأثیرات شگرفی را داشت. طلاق به عنوان مهم‌ترین آسیب اجتماعی خانوادگی متأثر از متغیرهای بسیار زیادی از جمله مسایل اقتصادی و ... می‌باشد. اما به عنوان یک

- به طور کامل نمی‌توان از تسلط فرهنگ جدید جلوگیری نمود، اما می‌توان از هجمه بسیاری از ناهنجاری‌ها بوسیله آگاه‌سازی جامعه استفاده نمود.
- همواره تقویت فرهنگ سنتی باعث افزایش همبستگی ملی می‌شود. برای این منظور می‌توان به تقویت آداب و سنن و هم‌چنین برگزاری پرشکوه جشن‌های ملی اشاره نمود.

با توجه به این‌که در بررسی‌های به عمل آمده مربوط به آسیب‌های فرهنگی بی‌اعتمادی، منفعل بودن (عدم توانایی انجام کارها) و نابرابری آسیب‌ها مشخص شده‌اند، بایسته است توجه سازمان‌های مربوطه در وهله نخست بر روی کاهش این دو آسیب فرهنگی معطوف شود. به همین منظور پیشنهادات مربوط به فرضیه پنجم به قرار زیر می‌باشند:

- منفعل بودن وابسته به نابرابری‌ها بوده و هرچه نابرابری‌ها را کاهش دهیم انگیزه در مردم افزایش پیدا خواهد کرد.

- نابرابری‌ها از طریق وضع قوانین اجرایی برای حمایت از محرومین بایستی در اولویت اقدامات مقامات حکومت‌های محلی و مرکزی باشد.

با توجه به این‌که در بررسی‌های به عمل آمده مربوط به آسیب‌های فرهنگی از خود بیگانگی، اعتقاد به خصمانه بودن جامعه مهم‌ترین آسیب مشخص شده است، بایسته است توجه سازمان‌های مربوطه در وهله نخست بر روی کاهش این آسیب فرهنگی معطوف شود. به همین منظور پیشنهاد مربوط به فرضیه ششم به قرار زیر می‌باشد:

- اعتقاد به خصمانه بودن جامعه ریشه در کودکی فرد و بازخوردهایی است که وی تا سنین بلوغ از محیط دریافت می‌کند. به همین خاطر باید نگاه ویژه‌ای به مدارس داشت تا محیطی سالم و برابر را برای همه دانش‌آموزان ایجاد کنند.

راه‌حل کلی و اساسی در وهله اول بایستی به فرهنگ‌سازی و آموزش جوانان و اشاعه این ایده که طلاق آخرین راه حل است نه اولین راه حل اشاره کرد.

- بیوگی نیز آسیبی است که کاملاً از طلاق تأثیر می‌پردازد و راه‌حل مناسبی به جز کاهش طلاق برای کاهش بیوگی نمی‌توان برگزید.

با توجه به این‌که در بررسی‌های به عمل آمده مربوط به آسیب‌های اجتماعی محیطی، مشکلات جوانان و سرقت مهم‌ترین آسیب‌ها مشخص شده‌اند، بایسته است توجه سازمان‌های مربوطه در وهله نخست بر روی کاهش این دو آسیب اجتماعی معطوف شود. به همین منظور پیشنهادات مربوط به فرضیه سوم به قرار زیر می‌باشند:

- مشکلات جوانان نیز خود متشکل از موارد زیادی می‌باشد که رفع بیکاری و اختصاص بودجه مناسب برای تفریحات این قشر از جامعه، می‌تواند کارگشا باشد.

- سرقت هم از طرفی به بیکاری و فقر مربوط است و هم از طرف دیگر وابسته به آموزش‌هایی است که اغلب جوانان بازداشت شده توسط سایر زندانیان فرا می‌گیرند. پس راه‌حل بسیار مناسب در این زمینه می‌تواند این باشد که محیط زندان‌ها را آموزشی نماییم.

با توجه به این‌که در بررسی‌های به عمل آمده مربوط به آسیب‌های فرهنگی گسیختگی فرهنگی، تسلط فرهنگ جدید و مدرن و ثبات فرهنگ سنتی مهم‌ترین آسیب‌ها مشخص شده‌اند، بایسته است توجه سازمان‌های مربوطه در وهله نخست بر روی کاهش این دو آسیب فرهنگی معطوف شود. به همین منظور پیشنهادات مربوط به فرضیه چهارم به قرار زیر می‌باشند:

هرگنهان، بی.آر (۱۳۷۱). مقدمه‌ای بر نشریه‌های یادگیری، ترجمه دکتر علی‌اکبر سیف، انتشارات فرهنگی معاصر، جلد اول، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.

اتکینسون، ریتا، ال، اتکینسون، ریچارد، س، هیلگارد، ارنست. ز (۱۳۶۸). زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمدمتقی براهنی و همکاران، انتشارات رشد، جلد دوم، چاپ اول، تهران.

فدایی دکتر فرید و نیساری، آرزو (۱۳۷۶). نوستالژیا در دانشجویان خارجی ساکن ایران، دومین کنگره روان‌پزشکی فرهنگی - اجتماعی، تهران ۱۳۷۶.

فردوسی، طیبه، آقاپور، سیدمهدی (۱۳۹۱). آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌ها (با تاکید بر دختران دانشجوی)، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۴، شماره ۳ پیاپی ۱۳، از ص ۲۵ تا ۴۵.

مظاهری، محمدمهدی، صداقتی‌فرد، مجتبی، حلاج دهقانی، عادل (۱۳۹۰)، بررسی مقدماتی عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آسیب‌های روانی در ایران، تحقیقات روان‌شناختی: دوره ۳، شماره ۱۱، از ص ۱۰ تا صفحه ۲۷.

احمدی‌نوده، خدابخش، عبدالملکی، هادی، افسردیر، بیتا، سیداسماعیلی، فتح‌اله (۱۳۸۹). نقش عوامل خانوادگی در نوع و میزان استفاده از اینترنت، مجله علوم رفتاری، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۴، شماره ۴ مسلسل ۱۴، ص ۳۲۷-۳۳۳.

پوریوسفی، حمید، شریعت‌نژاد، عبدالرضا (۱۳۸۸). بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان متاهل ساری، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۵، ص ۱۹-۳۶.

محسنی، رضاعلی (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی، مجله: پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۸ علمی-ترویجی، ص ۱ تا ۲۴.

- هم‌چنین پیشنهاد کلی نیز الگوبرداری از کشورهای موفق در کاهش آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی می‌باشد.

هم‌چنین برای پژوهش‌های آتی می‌توان پیشنهاداتی را به شرح ذیل ارائه نمود:

- ۱- اجرای پژوهش حاضر در سایر مناطق تهران.
- ۲- اجرای پژوهش حاضر در سایر شهرهای کشور.
- ۳- مقایسه مدیریت آسیب‌های کشورهای موفق با ایران و الگوبرداری از آنها.

منابع

پوریوسفی، حمید؛ شریعت‌نژاد، عبدالرضا (۱۳۸۸). بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان متاهل ساری، مدیریت فرهنگی: دوره ۳، شماره ۵، از ص ۱۹ تا ۳۵.

ذوقی، لیل، کریمی، روح‌الله (۱۳۸۸). پلیس، امنیت و آسیب‌های اجتماعی و چشم‌انداز ۱۴۰۴، چکیده مقالات همایش علمی پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴، تهران: سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات آواری نور، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۶.

فاضل، رضا و الهام میری آشتیانی (۱۳۸۷). آسیب‌های اجتماعی ایران - نگاهی به آینده، مرکز تحقیقات استراتژیک/شادان.

داویدیان، دکتر هاراطون (۱۳۷۶). فرهنگ و روان‌پزشکی، دومین کنگره روان‌پزشکی فرهنگی - اجتماعی، تهران.

کاپلان، هارولد، سادوک، بینامین و گرب، جک (۱۳۷۵). خلاصه روان‌پزشکی، ترجمه دکتر نصرت‌الله پورافکاری، انتشارات شهر آب، جلد اول و سوم، چاپ اول، ۱۳۷۵.

adolescent risk behavior, *Journal of adolescent health*, 41, 109-99.

Abela - R.Z. Skitch, S.A (2007). Dysfunctional attitudes, self - esteem, and hassles: cognitive vulnerability to depression in children of affectively ill parent behavior research and therapy: 45, 114-1127.

Varma, C (2014). Criminology and Socio-Cultural Aspects of the Anti-Dowry Law in India: A Feminist Critique. In SHS Web of Conferences (Vol. 5, p. 00003). EDP Sciences.

Karim, H.A & Hashim, A.H (2012). The effect of a resettlement scheme on the social-cultural changes of the Temuan Community. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 42, 362-373.

Warraich, I.A & Farooq, M (2015). Socio-Cultural Determinants of Female Criminality in Pakistan: A study of Punjab. *Pakistan Journal of Social Sciences (PJSS)*, 35(2), 875-890.

قلی‌زاده، آذر، اسماعیلی، رضا، میربک، پری (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی فرهنگی زنان (با تاکید بر تولیدات فرهنگی شبکه‌های مختلف تلویزیون ایران) از دیدگاه دانشجویان زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. *نشریه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی)*، زمستان ۱۳۸۶، دوره ۲۱.

Satham, P & Tillie, J (2016). Muslims in their European societies of settlement: a comparative agenda for empirical research on socio-cultural integration across countries and groups. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 1-20.

Cottrell, L, Shuli, y, Hongjie, L, Deveaux, L, Lunn, S, macbrain, R & Stanton, B (2006). Gender-based model comparisons of maternal values, monitoring, Communication, and early

